

انحطاط غرب

از جهت
نظام سیاسی و اداری

دکتر سیدور هالک Halink پلکسال پیش در ضمن مقاله «ریشه‌های ناامیدی دانشجویان» در مجله‌ساینس دایجست چاپ امریکا اظهار نظر کرد که «اگر جامعه‌ما پادشاه بدون پرثانه خود ادامه دهیم تعداد بیشتری از مردم را خواهیم دید که به بچی و ناامیته‌ها پادشاه می‌شوند هم اکنون نشانه‌های انانین تراژدی خوفناک با افزایش میزان خودکشی در میان دانشجویان چشم می‌خورد!»، «آن‌سوی آمریکایی که امروز آشکارا می‌بینیم در زیر نقاب یک دموکراسی قلابی او را در روزهای اخیر کرده‌اند که نجات از آن در آینده نیز به نظر می‌رسد چاره‌ای ندارد جز اینکه به نهضت همی‌ها پیوندد و به مصرف مواد مخدره سلطانی ال‌ایچ‌اچ عذاب روحی آموده گردد.

علوم اینکه من در مقالات گذشته اشاره کردم روحانیت اسلام باید همه نیروهای تبلیغاتی خود را برای نجات نسل جوان غرب بسیج کند، تا ارزش نظام اجتماعی اسلام را به «جوانان نشئه حقیقت» غرب تفهیم کند. «بجای آن بود که من حسن می‌کنم در چنین شرایطی هیچ قانون و نظامی جز «اسلام» توانایی نجات غرب را ندارد.

ایدئولوژی‌های غرب اکنون به‌تفاهت از جهت اخلاقی، بلکه از جهت تنظیم اداری و سیاسی آن چنان متزلزل و بی‌ارزش شده‌است که نسل جوان را به‌عین علی‌ه این ارزش‌های پوسیده که پادمانده قرن نوزدهم است جا داشته، و این عصبان امروزه به‌سبب احساسات و وسیع و ظواهرات خشونت‌آمیز تجلی کرده است.

امروز نسل جدید غرب به‌عده ایدئولوژی‌ساز فلسفه‌های موجود پوزخنده می‌زند زیرا که «کشورهای دموکراتیک ارزش مفاهیم علمی یا در تشکیلات زندگی اجتماعی از یاد برده و بی‌روزی ایدئولوژی‌مانندی شده‌اند مخصوصاً ایدئولوژی لیبرال و ایدئولوژی مارکسیسم. دو خواهر دوقلوی دامیونالیسم قرن هیجدهم، تالیسیر البسم و نه مارکسیسم بی‌روزی یک مطالبه عمیق واقعیت شکنی نیست» (۱)

نسل جوان اروپا و آمریکا آن چنان به‌بی‌ارزشی نظام سیاسی و اداری دست یابودن فلسفه‌های موجود پی برده است که دیوانه وار پدامن مواد مخدره خطرناک و حتی خودکشی پناه می‌برد.

(۱) راه‌نورس زندگی از دکتر آلکسیس کارل صفحه ۸۸

یکی از نویسندگان معروف می نویسد : در غرب نیز نسل جوان و روشنفکر هر شدو توسعه سرمایه آور جامعه خود در زیر نظام سرمایه داری کنونی خاصه در آمریکا بنظر یاس و بد بینی میگرد .

یکی از روشنفکران آمریکایی در این مورد میگوید (ما چنان سرگرم دویدن هستیم که دیگر نمیشاهیم برای چه میرویم) به عبارت دیگر ما باید متوجه این طرف قضیه هم باشیم که تازه اگر عوامل رشد توسعه را بر طبق الگوهای غربی اجرا میکنیم میخواهیم بکجا و به کی برسیم ؟ آیا میخواهیم زندگی خود را بشکل زندگی غربی در آوریم که اکنون از اقیانوس چهارین پست شده است ؟

تولید معینی کور کورا نه بقدرت و با دو مصرف کور کورانه در جادوی تبلیغات و در شرایطی که رای دهنده حتی عمل انداختن رای ندارد صندوق آزادی انجام نمیدهد گو اینکه بنظر از آزادی کامل بر خوردار است . اما آزادی که فقط در انتخاب دو نفر با واده شده است . دوری که با میلیونها دلار ثروت و پشتیبانی از طرف انحصارات و سرمایه داری های عظیم قبل از انتخاب اراده و ایمان خود را تسلیم کرده اند فقط در وی یک خط مشخص میتوانند گام بردارند (۱)

من که اکنون میخواهم نسل جوان غرب به آزادی تو خالی حاشیه خود بوزخ متمیز نه خوب میدانم که چه نوع آزادی میخواهد . او یعنی جوان غربی آن (آزادی) ای را میخواهد که چهارده قرن قبل محمد (ص) به

مسلمانان هدیه کرد و به شخصیت و فکر و اندیشه یان فرد مسلمان تا بدان پایه ارج نهاد که بک مسلمان به تمامی حق داشته باشند فرادار و صلح امضا کنند و حیرت انگیز آنکه همه مسلمانان ملزم بر رعایت و اطاعت این قرارداد بودند .

جوان غربی دیگر نمیتواند سیاستمداران آنتیست تراست ها و کارتل ها و انحصارات سرمایه داری و باطفاقی بسته میشوند و بعد ای حفظ منافع سرمایه داران او را به و نظام بر ستند و بعد از او بخواهند که استقلال ملیان و بیستانی را بگلوله بندند

در اروپا نسل جوان شاهد تلاش را با کارانه کمو بیستها و سوسیالیست ها با انحصارات سرمایه دار است و می بیند که آن عدولت این سرساییم و بر اداری و انسان دوستی امروزه به صورت و بندگی و چاپلوسی در مقابل سرمایه داران تریدر داد میاند و مبارز برای اسارت هر چه بیشتر کمو بیستها نگاه داشته شده با استعمارگران همکاری می کنند .

و در چنین جوامعی است که مردان شریف و انسان دوست واقعی که حیثیت و شرف انسانی را به صاحبان ثروت و قدرت تسلیم نکرده اند بسیار کمی میشوند .

« جوامعی که در تین لوتر کینتک ما را نابود میکنند نه اینکه قادرند که طین صدای صلح و آشی او را نابود سازند بلکه این طین محبت و تقاضا . این پیام مسالمت و آشتی را در حلقوم نوشته که با سبکها تبدیل بخروشی رفتن آسا و عسارتی خون آلود میشوند و اینها هستند که سلطه

(۱) مجله نگین مقاله (بپودن یا نبودن) شماره ۳۳ فروردین ۴۷

انتخابیست نوشت در میلیونها نفر تکلیف میکنند و آنچنان خشونت ظالمانه بر زندگی توده های مردم تحمیل میکنند که خود راه مارگشت ندارند و برای مجرمین جز نوسل بخشودت عادلانه مجال و فرصت دیگری باقی نمی گذارند .

قتل لوتر کینگ یکبار دیگر ثابت کرد که جامعه بشری بغیر از تکنولوژی و فرهنگ صنعتی پیشرفته احتیاج به عامل دیگر برای زندگی دارد . یعنی آدمان مشترک . اگر عامل فرهنگی و اقتصادی جامعه نازل شود ، اگر زندگی عاری از آرمانهای مشترک بطور روزانه و یکنواخت در دست پر هباموی تلاشها و کوشش های کور سوزی گردد ، اگر مادیان اجتماعی و سیاسی جامعه انسانها و متغای فردی آنها را از فلسفه اصلی زندگی جدا کند آنها را در تلاش معاش عجیب در زندگانی درون شکل های اسفانته ! ارها کند انسانها همچون آدمکهای کوهکی در پهنای اجتماع با قدرت و تحرکی تنها یکی بر سر و کول هم میریزند (۲)

(۱) مجله نگین شماره ۳۵

(۲) در مقاله آینده نظار این فیلسوف و روح انگلیس را نسبت به اسلام مورد بررسی قرار خواهیم داد .

جامع علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

امیر معتمدان علی (ع) میفرماید:
الافراط فی الهامة تشب نيران اللجاج
: زیاده روی در سر زشتی : آتش اجاجت داشته و بسیار است .
تحف العقول